



سید رضی ستاره تابناک آسمان تبلیغ

عبدالکریم پاک نیا

ورزیده، شیفته کمالات معنوی و مقامات عالی وی شده بودند. تبخر در علوم اسلامی، توکل، اخلاص، توسل به اهل بیت علیهم السلام، نفوذ کلام، سیمای جذّاب، فصاحت و بلاغت و معاشرت ستودنی وی با اقشار مختلف جامعه، او را به یکی از پرچمداران عرصه تبلیغ در ده قرن گذشته در عالم تشیع تبدیل نموده است. به ویژه آنکه او با تألیف نهج البلاغه و عرضه آن به جهان علم و ادب و دین، بزرگترین خدمت را به دنیای اسلام نمود؛ یادگار گرانبگی که بخشی از مظلومیت امیر مؤمنان علی علیه السلام را نمایان ساخت و زیباترین

ابو الحسن محمد بن حسین موسوی معروف به سید رضی و ملقب به «طاهر ذو المناقب»، در سال ۳۵۹ ه. ق چشم به جهان گشود. او در فضایل اخلاقی، علم و ادب، عزّت نفس، شهامت، علوّ همت، فنون شعر، علوم قرآنی و مدیریت اجتماعی سرآمد عصر بود و از این کمالات و مهارتها، در راه تبلیغ و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام بهره می‌برد. این چهره درخشان عالم تشیع، چنان دلها را به خود جذب کرده بود که مخالف و موافق، کوچک و بزرگ، شریف و وضع به او ارادتی خاص

استعدادهای نهفته‌اش به کمال رسید.

تحصیل علم

ذوق سرشار سید رضی به تحصیل علم و معرفت، وی را در راه تحصیل کمالات به مراحل عالی‌های از توفیق رساند، به طوری که از همان دوران کودکی دست غیب او را یاری می‌نمود.

ابن ابی الحدید می‌نویسد: شیخ ابو عبد الله معروف به شیخ مفید، عالم و دانشمند بزرگ شیعی، شبی فاطمه زهرا علیها السلام را در خواب دید که آن بانوی جلیل‌القدر، دست دو کودک خردسال خود، حسن و حسین علیهما السلام را گرفته و در مسجد کرخ بغداد به نزد او آورد و فرمود: «ای شیخ! به اینها دانش فقه بیاموز.» او با تعجب فراوان از خواب بیدار شد و به فکر فرو رفت و تا صبح همچنان در اندیشه بود. فردای آن شب، وقتی در مسجد نشسته بود، بانوی با شخصیتی (فاطمه بنت

هدیه علمی و معنوی را به مبلغان اسلامی و انسانهای حقیقت‌خواه عرضه داشت.

دودمان با فضیلت

شریف رضی، در خاندانی پا به عرصه هستی نهاد که فضای آن آکنده از علم و فضیلت و معنویت بود. پدر وی ابو احمد حسین نام داشت که نسبش با چهار واسطه به امام موسی کاظم علیه السلام می‌رسد. او مردی با عظمت و سیدی جلیل‌القدر و مورد احترام دولتمردان عباسی و سلاطین آل بویه و آل حمران بود. و گاهی از طرف آنان به تنظیم امور کشور، عقد صلح و دیگر کارهای مهم دولتی دعوت می‌شد.^۱ مادر سید رضی، فاطمه بنت الحسین بود که نسبش با شش واسطه به امام علی بن ابی طالب علیه السلام می‌رسد. مادر با کمال و دانش دوست رضی، از شیخ مفید تقاضا نمود که کتاب «احکام النساء» را در مورد زنان مسلمان تألیف کند و شیخ تقاضای وی را پذیرفته، این کتاب را با اسلوب زیبایی به بانوان مسلمان عرضه نمود.^۲ سید رضی در آغوش چنین خاندانی رشد و نمو یافته،

۱. شرح نهج البلاغه، عبد الحمید ابن ابی الحدید، معتزلی، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۱.

۲. همان.

«اگر همه مادرها مانند تو نیکوکار و پاک سرشت بودند، هیچ فرزندی نیازی به پدر نداشت.»

مقام علمی و دانش سرشار

سید رضی در اثر زحمات طاقت فرسا و پشتکار عالی خویش، در محضر اساتید فن و دانشمندان شیعه و سنی و حتی غیر مسلمان به بهره گیری پرداخته، توشه ها اندوخت و در مدتی کوتاه از سرچشمه های دانش و ذخایر علمی آنان پیمانها پر کرد و جرعه ها نوشید. شریف رضی در اثر هوش وافر و حافظه قوی، علم نحو را قبل از ده سالگی از سیرافی نحوی فرا گرفت. این برجسته ترین اندیشمند اسلامی در قرن چهارم و پنجم، در کسب معارف و علوم رایج به چنان رتبه ای دست یافت که نه تنها دانشمندان مسلمان شیعه و سنی به او عشق می ورزیدند و مقام علمی وی را ارج می نهادند، بلکه دانشمندان غیر مسلمان نیز در برابر عظمت وی زانوی ادب به زمین می زدند.

الحسین، مادر سید رضی و سید مرتضی (وارد مسجد شد و در حالی که دست دو کودک خردسالش را گرفته بود، به نزد شیخ آمد و اظهار داشت: «ای شیخ! این دو کودک را آورده ام تا علم فقه به آنان بیاموزی.» شیخ مفید با دیدن این صحنه، خواب شب گذشته اش را به یاد آورد و بی اختیار اشک از چشمانش سرازیر شد. و در همان حال قصه شب گذشته اش را برای آنان تعریف کرد.

او تعلیم و تربیت این دو کودک را به عهده گرفت و در تربیت آنان چنان همت گماشت که در اندک زمانی به مقامات بزرگی از علم و کمال رسیدند و خداوند متعال سرچشمه های حکمت و دانش را بر سینه هایشان جاری نمود.^۱

سید رضی نیز که پاسدار مقام ارجمند مادر خویش بود و همواره از زحمات طاقت فرسای او تجلیل به عمل می آورد، به پاسداشت این لطف مادر خویش، در شعری او را چنین می ستاید:

لَوْ كَانَ مِنْكَ كُلُّ أُمَّ بَرَّةً

غَنَى الْبَنُونَ بِهَا عَنِ الْآبَاءِ

۱. ر.ک: همان، ص ۴۱.

- ابو اسحاق صابی^۱، نویسنده و ادیب معروف و سرپرست دیوان القادر بالله، با سید رضی دوست و رفیق بود. او شیفته مقام علمی و دانش سرشار شریف رضی گشت تا آنجایی که به احترام وی، ماه رمضان را روزه می‌گرفت و قرآن را حفظ کرده بود. سید رضی هم متقابلاً او را به عنوان دانشمندی برجسته احترام می‌نمود. هنگامی که ابو اسحاق درگذشت، سید رضی در رثای او اشعار مفصلی سرود. هنگامی که برخی از افراد کوتاه‌بین و تنگ‌نظر بر این کار او ایراد گرفتند، وی گفت: «من این اشعار را به خاطر علم و فضل او سروده‌ام و در حقیقت من ارزش علم را ستوده‌ام»^۲. برخی از اساتید معروف وی عبارتند از:
۱. ابو اسحاق ابراهیم بن احمد بن محمد طبری، فقیه مالکی، چنان‌که ابن جوزی در المنتظم به آن اشاره می‌کند؛
 ۲. قاضی عبد العجبار ابو الحسن بن احمد شافعی معتزلی، از دانشمندان نامدار کلامی و اصولی اهل سنت؛
 ۳. ابو سعید حسن بن عبد الله
- معروف به سیرافی نحوی؛
۴. ابو علی حسن بن احمد فارسی نحوی (درگذشته در سال ۳۷۷ ه. ق)؛
 ۵. ابو عبد الله محمد بن عمران مرزبانی (درگذشته در سال ۳۸۴ ه. ق)؛
 ۶. ابو محمد هارون بن موسی تلعبکری (متوفی ۳۸۵ ه. ق)؛
 ۷. ابو الفتح عثمان بن جنی موصلی؛
 ۸. ابو یحیی عبد الرحیم بن محمد معروف به ابن نباته؛
 ۹. ابو عبد الله ابن معلم محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید، از نوابخ روزگار و بزرگ‌ترین فقیه و متکلم جهان تشیع، که بیشترین تأثیر را در رشد علمی و معنوی سید رضی داشته است؛
 ۱۰. ابو الحسن علی بن عیسی ربیع، نحوی بغدادی (درگذشته در
۱. صابی کسی را می‌گویند که از پیروان صائین باشد و آنان یکی از فرقه‌های مذهبی و در ردیف یهودی و مسیحی هستند. البته صائین به گروه دیگری هم اطلاق می‌شود که آنان مشرک و بت پرست بوده‌اند.
۲. پیرامون نهج البلاغه، سید عباس احدی، قم، نشر علم و دین، ۱۳۶۰، ص ۲۷.

سال ۴۲۰ ه.ق).

که حسد و کینه او را تحریک کرده باشد.»

هنگامی که ابو طاهر ناصر الدوله درگذشت، سید رضی در رثای او نیز قصیده‌ای سرود که معانی بسیار بلند و الفاظ زیبا و جملات لطیف آن، مورد توجه دانشمندان عصر از جمله استادش ابن جنی قرار گرفت. استاد آن‌چنان شیفته اشعار سید رضی گردید که در شرح معانی عمیق و توضیح و تفسیر زیباییها و نکات جالب آن کتابی نوشت. ابو منصور عبد الملک ثعالبی از دانشمندان برجسته اهل سنت - که کتاب خود را در ۲۵ سالگی شریف رضی نگاشته است - مقام علمی وی را بی نهایت ستوده و بعضی از اشعارش را زینت بخش کتاب خود قرار داده است. او در مورد مقام علمی وی می‌گوید: «با آنکه در میان آل ابو طالب شعرای مبتکر و برجسته فراوان بودند، ولی سید رضی از همه آنها شاعرتر است و اگر بگویم او بزرگ‌ترین شاعر

سید رضی در نزد این استاد گرانمایه، درس تفسیر، عروض، قوافی، نحو، قرائت و... خوانده است.^۱ این فرزانه وارسته، از نظر مقام علمی به حدی رسید که او را از نوابغ روزگار شمرده‌اند.

شریف رضی بیش از ده سال نداشت که پدر بزرگوارش در سال ۳۶۹ ه.ق به خاطر عزت نفس و حق‌جویی توسط حکومت وقت دستگیر شده، به زندان افتاد. این اتفاق او را بسیار متأثر کرد؛ به طوری که ابیاتی را در ستایش پدر سرود.

يُنَالُ الْفَتَى مِنْ دَهْرِهِ قَدْرَ نَفْسِهِ
وَتَأْتِي عَلَيَّ قَدْرَ الرَّجَالِ الْمَكَائِدِ
ندی لک یا مُجَدِّي الْمَعَالِي وَبِأُسْهَا

فِعَالٌ جَبَانٌ شَجَعَتُهُ الْحَقَائِدُ^۲
«هر جوانمرد از روزگار به اندازه ارزش و جودیش گرفتاری می‌بیند. آری، به اندازه ارزش مردان بزرگ بر آنها سختی و دشواری می‌رسد.

پدر! ای بلند مرتبه و ای دارنده عظمت و مهابت! فدایت شوم! این گرفتاری تو کار شخص ترسویی است

۱. ر.ک: الغدير، علامه عبد الحسين اميني، دار الكتب العربي، ج ۴، ص ۱۸۳ به بعد.

۲. پیرامون نهج البلاغه، ص ۱۷.

خود آثار ارزشمندی پدید آورد. او تمام اندوخته‌ها و ذخایر علمی خویش را در قالب کتابهایی وزین و در موضوعات مختلف عرضه نمود که ما در این بخش به قسمتی از تألیفات وی می‌پردازیم:

میراث جاویدان در عرصه تبلیغ

نهج البلاغه، مشهورترین یادگار سید رضی است و با اینکه بیش از هزار سال از تألیف این میراث جاویدان می‌گذرد، نه تنها گذشت زمان آن را به ورطه فراموشی نسپرده، بلکه روز به روز به جذابیت، شفافیت و رونق این هدیه آسمانی و اثر گرانسنگ افزوده شده است. این کتاب در طول قرن‌ها همچون آفتابی درخشیده و نظر دانشمندان، محققان و ادب‌دوستان را به خود جلب کرده است. نهج البلاغه‌ای که سید رضی با زحمات طاقت‌فرسای خویش آن را پدید آورد، شایسته تقدیر و تجلیل فرهنگ‌دوستان و دانش‌پروران است؛ چون این کتاب از منبع بی‌پایان علم و

قریش است، اغراق نکرده‌ام»^۱

شاگردان و راویان

سید رضی، تمام اندوخته‌ها و ذخایر علمی خود را در عصر خویش به دانش‌دوستان و تشنگان علم و معرفت عرضه نمود. عده کثیری از دانشوران شیعه و سنی از کوثر زلال علم و حکمت این استاد گرانمایه سیراب گشته‌اند که نام برخی از مشاهیر آنان عبارت است از:

۱. ابو جعفر محمد بن طوسی معروف به شیخ الطائفه (متوفی به سال ۴۶۰ ه. ق)؛
۲. شیخ ابو عبد الله محمد بن علی حلوانی؛
۳. قاضی ابو المعالی احمد بن علی بن قدامه؛
۴. ابو بکر احمد بن حسین بن احمد نیشابوری خزاعی؛
۵. ابو منصور محمد بن ابی نصر بن عبد العزیز عکبری؛
۶. قاضی سید ابو الحسن علی بن بندار بن محمد هاشمی.

آثار سید رضی

سید رضی با اینکه بیش از ۴۷ سال زندگی نکرد، اما در طول عمر با برکت

۱. نتیجه الدهر، عبد الملک ثعالبی، دار الکتب العلمیه، لبنان، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۳، ص ۱۵۵.

فضیلت ریشه گرفته و جلوه‌ای از دریای عظمت مولای متقیان امام علی علیه السلام است.

آری، این کتاب منتسب به شخصیتی است که آفتاب وجودش غروب ندارد؛ چنان‌که سید رضی در مقدمه آن، این نکته را متذکر شده است. او در این مورد می‌گوید: «... به تألیف این کتاب پرداختم و به یقین می‌دانستم که تألیف آن بهره عظیمی در بردارد و به زودی همه جا را تحت سیطره خود قرار خواهد داد و اجر آن ذخیره آخرت خواهد بود و بدین وسیله خواستم شمه‌ای از عظمت شخصیت امیر مؤمنان علی علیه السلام را روشن سازم، تا علاوه بر آن همه فضایل بی‌حد و مناقب بی‌شماری که دارد، عظمت قدرش را در این فضیلت (بلاغت و فصاحت) نیز آشکار نمایم تا بر همگان روشن شود که آن حضرت، یگانه فردی است که از میان همه پیشینیان به آخرین مرحله فصاحت و منتهای بلاغت رسیده است و گفتار او اقیانوسی است بی‌کرانه که سخن هیچ بلیغی به پای آن نخواهد

رسید.»^۱

نهج البلاغه به زبانهای زنده دنیا همچون: فارسی، ترکی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیایی، اسپرانتو بوسنیایی، سندی و... ترجمه گردیده و صدها شرح، ترجمه و کتاب درباره آن نوشته شده است. در هر صورت، ما بیش از این در مورد این کتاب شریف سید رضی سخن نمی‌گوییم و رشته کلام را به دست دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان می‌سپاریم:

۱. استاد امین نخله، یکی از صاحب نظران مسیحیت، در جواب شخصی که از او درخواست کرده بود که صد کلمه از نهج البلاغه را برای او انتخاب کند، می‌گوید: «به خدا قسم نمی‌توانم. چگونه از میان صدها کلمه گهربار، تعداد صد کلمه آن را انتخاب کنم؟ من از انتخاب یک کلمه آن هم عاجز هستم؛ زیرا این کار درست به این می‌ماند که دانه یا قوتی را از کنار دانه‌های دیگر بردارم.»^۲

۱. مقدمه نهج البلاغه.

۲. پیرامون نهج البلاغه، ص ۵۷.

برای اثبات این موضوع به دلیلی بیشتر و بهتر از نهج البلاغه نیازمند باشیم. آن کتابی که خداوند آن را دلیلی روشن قرار داد تا ثابت کند که علی علیه السلام بهترین شاهد زنده نورانیت و پرتوبخش قرآن کریم و جلوه بارز حکمت و دانش و هدایت و اعجاز و فصاحت آن کتاب آسمانی است. آیات و نشانه‌های حکمت ارزنده و قوانین صحیح سیاست و پندهای روشن و دلنشین و برهانهای رسا و استواری که علی علیه السلام در این کتاب آورده، خود بهترین گواه فضیلت‌های فوق تصور و بهترین آثار یک پیشوای به حق است که هیچیک از حکمای بزرگ و فلاسفه عالی مقام و نوابغ دهر نظیر آن را نیاورده‌اند. علی علیه السلام در این کتاب به دریای پهناور علم و سیاست و دین فرو رفته و در

۲. بولس سلامه، استاد دانشگاه، شاعر و نویسنده معروف مسیحی در لبنان، درباره نهج البلاغه می‌گوید: «نهج البلاغه اثر جاودانه‌ای است که انسان را به شناخت اندیشه بزرگ علی بن ابی طالب علیه السلام وادار می‌سازد و هیچ کتابی جز قرآن بر آن برتری ندارد.»^۱

۳. جرج جره‌ای، نویسنده و ادیب معروف مسیحی، نهج البلاغه را بیانی رساتر از هر بیان می‌داند، که تا انسان هست و اندیشه انسانی وجود دارد، با ذوق هنری و ادبی انسان پیوند ناگسستنی خواهد داشت.^۲

۴. حسین نائل مرصفی^۳ استاد فن بلاغت و علم بیان در دانشکده دارالعلوم مصر، در مقدمه شرحی که بر نهج البلاغه نوشته است با بهترین روش و با بیانی کوتاه و گویا، کتاب سید رضی را ستایش کرده و می‌نویسد: «... با این سه امتیاز، یعنی زیبایی تمدن جدید و جمال سادگی قدیم و شادی آفرینی قرآن کریم، خلفای راشدین از دیگران ممتاز می‌شوند. با این همه، آن کس که در این میدان گوی سبقت را ربوده، علی علیه السلام است. گمان نمی‌کنم

۱. نشریه پرتو، خرداد ۷۹.

۲. همان.

۳. حسین مرصفی (درگذشته در سال ۱۳۰۷ ه.ق.) از دانشمندان، ادبا و مدرسین الازهر مصر بود. او در ۸ موضوع مهم اجتماعی مردم، وطن، حکومت، عدالت، ظلم، سیاست، آزادی و تربیت بررسی‌هایی انجام داده و در کتاب الکم الثمان منتشر کرده است. (الاعلام، ج ۲، ص ۲۳۲).

تمام این مسائل ید طولانی داشته و نابغه مبرز بوده است... باید توجه داشته باشی که در توان هیچ نویسنده زبردست و هیچ گوینده توانا و هیچ شاعر باذوقی نیست که در ستایش و توصیف نهج البلاغه حق مطلب را ادا کند»^۱

گفتنی است با اینکه در تألیف کتاب پراج نهج البلاغه توسط سید رضی جای هیچ‌گونه تردید و ابهام نیست، متأسفانه بعضی از شخصیت‌نگاران اهل سنت، همچون خیر الدین زرکلی از ذکر این اثر بی‌نظیر در ردیف تألیفات وی امتناع نموده‌اند.

تألیفات دیگر

علاوه بر نهج البلاغه، شریف رضی کتابهای دیگری نیز در موضوعات تاریخ اسلام، شعر، فقه، علوم قرآنی، مکاتبات و حدیث دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. حقائق التأویل فی متشابه

التنزیل، در متشابهات قرآن؛

۲. مجازات الآثار النبویة؛

۳. تلخیص البیان عن مجازات

القرآن؛

۴. الرسائل؛

۵. تعلیقات خلاف الفقهاء؛

۶. تفسیر القرآن؛

۷. دیوان اشعار؛

۸. خصائص الائمة؛

۹. معانی القرآن؛

۱۰. رسائل و منشآت در سه جلد؛

۱۱. اخبار قضاة بغداد؛

۱۲. حاشیه بر ایضاح ابو علی

فارسی و آثار دیگر.^۲

هنر شعر و ادب در خدمت تبلیغ

دین

با توجه به مقامات بلند و کمالات عالی شریف رضی، سخن گفتن از شعر و شاعری وی چندان ضروری به نظر نمی‌رسد و معرفی او در ردیف سایر شعرا، افتخاری برای وی محسوب نمی‌شود. او که قبل از ده سالگی بهترین اشعار را سروده و شگفتی همگان را برانگیخته است، شعر را

۱. پیرامون نهج البلاغه، ص ۶۱.

۲. الغدیر، ج ۴، ص ۱۹۸؛ ریحانة الادب، محمد علی مدرس تبریزی، تبریز، نشر شفق، ج ۳، ص ۱۲۴.

«زبان ترجمان دل است و مزده شادی از قیافه پیک پیداست.»

او در مرثیه جدش سید الشهداء، سبط پیامبر، امام حسین علیه السلام احساسات را برانگیخته، اشکها را روان می سازد و با این بیت شروع می کند:

هَذِي الْمَنَازِلِ بِالْغَمِيمِ قَنَادِهَا

وَاسْكِبْ سَخَى الْعَيْنِ بَعْدَ جَمَادِهَا^۱

«اینک سرزمین غمیم است، ناله ها را بلند کن و سیلاب اشک را بعد از خشک شدن روان ساز!»

از مخنظر دانشمندان اهل سنت

در این بخش، شخصیت ممتاز شریف رضی را از زبان تاریخ نگاران اهل سنت مرور می نماییم:

۱. ابو الفرج عبد الرحمن بن جوزی (درگذشته در ۵۹۷ ه. ق) در کتاب «المنتظم» خویش می نویسد: «رضی در بغداد نقیب (سرپرست) خاندان ابی طالب بود... دانشمندی فرزانه و شاعری سخنران بود. او شخصیتی پارسا، متدین و معتقد بود و

افتخاری برای خود نمی داند؛ اما از این شیوه جذاب در موارد لازم و برای تبلیغ دین و معارف الهی بهره می گیرد. او خود بر این باور است که:

وَمَا الشُّعْرُ فَخْرِي وَلَكِنَّمَا

أَطْوَلُ بِهِ هِمَّةَ الْفَاحِشِ

وَأَنِّي وَإِنْ كُنْتُ مِنْ أَهْلِهِ

لَتُنَكَّرَ فِي حِرْزَةِ الشُّاعِرِ^۱

«شعر برای من افتخاری نیست؛ ولی هر گاه دیگران به سفاخره برخیزند، من با اشعار ناب خود مقابله می کنم.

گرچه من در عرصه شعر، استعداد و شایستگی دارم، اما از حرفه شاعری بیزارم.»

با این حال، سید رضی هنر شعر را در رسیدن به مقاصد عالیّه خود به کار می گیرد. بهترین نمونه آن، قصیده غدیریه اوست که به سبک زیبایی، داستان غدیر را به تصویر کشیده، مخاطب را تا عمق واقعه غدیر با خودش همراه می سازد. قصیده او با این مطلع آغاز می شود:

نُطِقُ اللِّسَانَ عَنِ الضَّمِيرِ

وَالْبِشْرَ عِنْوَانَ الْبَشِيرِ^۲

۱. الغدير، ج ۴، ص ۲۰۱.

۲. الغدير، ج ۴، ص ۱۸۰.

۳. همان، ص ۲۱۵.

سازد و خطاب به زن گفت: در میان نسخه‌ها یک جزوه با خط ابن مقله یافتم. اگر مایلی جزوه را بگیر و اگر وجه بیشتری می‌خواهی اینک پنج درهم دیگر به تو تقدیم کنم. آن زن پنج درهم اضافی را گرفت و برای وی دعا کرد. شریف رضی مردی بخشنده و با سخاوت بود.^۱

۲. ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می‌نویسد: «رضی در مدتی اندک، پس از دوران سی سالگی قرآن را حفظ کرده، بخش مهمی از فقه و فرائض را فراگرفت. دانشمندی ادیب و شاعری ماهر بود. با نظمی روان و فصیح و الفاظی پرمعنی و بلیغ، در پرداختن قافیه توانا و در ساختن انواع شعر مقتدر بود. او اگر در وادی تغزل گام زند، احساس لطیف و خیال دلپذیرش شگفتیها آفریند. اگر در میدان ثنا و ستایش تازد، با نظمی سهل و روان به صید معانی پردازد و هیچ شاعری به گرد او نرسد و اگر در سوگ و ماتم به سوز دامن زند، بر همه

این برجسته‌ترین اندیشمند اسلامی در قرن چهارم و پنجم، در کسب معارف و علوم رایج به چنان رتبه‌ای دست یافت که نه تنها دانشمندان مسلمان شیعه و سنی به او عشق می‌ورزیدند و مقام علمی وی را ارج می‌نهادند، بلکه دانشمندان غیر مسلمان نیز در برابر عظمت وی زانوی ادب به زمین می‌زدند.

همّت والا داشت. [در بزرگواری او همین بس که] روزی از زنی، چند مجموعه یادداشت به پنج درهم خرید. در ضمن مطالعه متوجه شد که یک جزوه آن به خط ابو علی «ابن مقله» است. به دلّال گفت: تا زن را حاضر

۱. المنتظم، ابو الفرج عبد الرحمن جوزی، دار الکتب العلمیه، ج ۱۵، ص ۱۱۵.

جلوه گر بودند؛ بلکه اگر بگویم شریف رضی «اشعر قریش» است، گزافه نگفته‌ام و گواه آن، با مراجعه به اشعار وی، به وضوح روشن خواهد شد.

اشعار او پرمغز و استوار، خالی از عیب و ایراد می‌باشد و در عین روان و سلیس بودن، متقن و مبرهن می‌باشد، با معانی نغز و بلند. پدرش ابو احمد، ریاست نقبایی را عهده‌دار بود و به مظالم، یعنی اختلافات مالی رسیدگی می‌نمود و کاروان حج را رهبری می‌کرد و تمامی این مناصب و مشاغل در زمان ابو احمد، یعنی به سال ۳۸۸ ه. ق به فرزندش شریف رضی انتقال یافت.^۲

افول ستاره تبلیغ

شریف رضی، صبح روز یکشنبه ششم محرم سال ۴۰۶ ه. ق بعد از عمری تلاش و مجاهدت در راه احیای حق و دفاع از اهل بیت علیهم‌السلام و اعتلای کلمه توحید و به جای نهادن آثاری زرین، در ۴۷ سالگی چشم از جهان

ماتم‌سرایان سبقت گیرد. و با همه اینها، دبیری سخندان و صاحب‌گفتار است. مردی پارسا، با روحی لطیف و همتی والا است. او سخت به احکام دین پایبند بود و به اعتقادات خود شدیداً باور داشت. از هیچ کس صله و جایزه نپذیرفت.^۱

۳. ابو منصور عبد الملک ثعالبی (متوفی به سال ۴۲۹ ه. ق) از دیگر برجستگان اهل سنت است که در کتاب «یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر» که در ۲۵ سالگی سید رضی آن را به رشته تحریر درآورد، او را چنین می‌ستاید: «اینک شریف رضی نابغه دوران و نجیب‌ترین بزرگان عراق است. علاوه بر تبار والا و افتخاراتی که چون خورشید عالم‌آرا با فرهنگی نمایان و فضلی تابان، شخصیت خویش را آراسته و از تمام خوبیها سهمی به سزا دارد. از این گذشته، او سرآمد شاعرانی است که از خاندان ابی طالب برخاسته‌اند، چه گذشتگان و چه معاصران. با آنکه در صف آنان، شعرای برجسته و ماهری، مانند: «جمانی»، «ابن طباطبا» و «ابن ناصر»

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۳.

۲. یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر، ج ۳، ص

فرو بست. دنیای اسلام در عزای او داغدار شد و دانش دوستان در فراقش اشک حسرت و ماتم ریختند. فوت او آنچنان در دل‌های مردم بغداد تأثیر گذاشت که کوچک و بزرگ، زن و مرد، فقیه و قاضی، سنی و شیعه، با قلبهایی مالا مال از اندوه به در خانه‌اش ریختند و در غم از دست دادن این شخصیت ارزنده جهان اسلام، اشک فراق ریختند.

سید مرتضی، برادر بزرگ او، به قدری متأثر و متأسف گردید که تاب دیدن جنازه‌اش را نیاورد و از شدت درد و ناراحتی به حرم مقدس کاظمین (علیه السلام) رفت. مردم داغدار، وزرا، اعیان و اشراف، جنازه سید رضی را تشیع کردند. ابو غالب فخر الملک، وزیر اعظم وقت، بر جنازه او نماز خواند. پیکر بی جان این دانشمند نامدار را در کنار خانه‌اش، در محله کرخ بغداد به عنوان امانت دفن نمودند. سپس وزیر نامبرده به کاظمین رفت و سید مرتضی را دل‌داری داد و با

احترام به خانه بازگردانید.

مهیاری دیلمی، سلیمان بن فهید و جمعی دیگر از شعرای معاصر، مرثیه‌های جانسوزی در رحلت او سرودند که بعضی از آنها در دیوان سید رضی چاپ شده است. یکی از آن سروده‌ها به سید مرتضی تعلق دارد. او در فراق برادرش اشعاری گفت که نهایت تأثر قلبی وی را می‌رساند. بیت زیر یکی از آنها است:

يَا لَلرَّجَالِ لِفَجَعَةٍ جَدَمَتْ يَدِي

وَوَدَدْتُ لَوْ ذَهَبَتْ عَلَيَّ بِرَأْسِي

«ای بزرگ مردان! فغان از مصیبتی که دست مرا قطع کرد و ای کاش سر از پیکرم جدا می‌نمود!»

گفتنی است که جنازه این دو برادر، مدتی بعد از دفن به کربلای معلی منتقل گشت و در سمت بالای سر حضرت سید الشهداء به خاک سپرده شد.^۱

۱. الغدير، ج ۴، ص ۱۸۶، به بعد؛ ریحانة الادب، ج ۳، ص ۱۲۷.